

دانشگاه یزد

دانشکدهٔ زبان و ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه:

برای دریافت درجهٔ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی موضوع قدرت در مداخل عصر غزنوی

( فرّخی، عنصری و منوچهری )

استاد راهنما:

دکتر مجید پویان

استاد مشاور:

دکتر ید... جلالی پندری

پژوهش و نگارش:

راشین مسیّبی

بهمن ۱۳۹۰

تقدیم به:

همه شاعران و انسان‌های آزاده سرزمینم

قدردانی:

از همه کسانی که در نوشتن این پایان نامه به بنده یاری رسانده‌اند، از استادان بزرگوار دکتر مجید پویان و دکتر یدالله جلالی و گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، هم‌چنین از کلیه دوستان خوبم، خانم‌ها طیبی، عسکری، نقیبی و از هم‌کلاسی‌هایم به خصوص از آقای علوی و سایر دوستان سپاسگزارم. نیز سپاس ویژه از پدر و مادر عزیزم که همواره زحمت بی‌دریغ و دعای خیرشان طی این سال‌ها یاری رسان من بود و هم‌چنین از خواهرانم رویا و نوشین نهایت سپاس و تشکر را دارم.

## چکیده:

شعر مدحی از نخستین موضوعات مورد توجه شاعران از آغاز پیدایش شعر فارسی به شمار می‌رود. بر مبنای خصایص تاریخی ایران و بازتاب مسائل اجتماعی-سیاسی آن در ادبیات فارسی، مدیحه‌گویی از موضوعات و شاخصه‌های ادبی مورد نظر و علاقه شاعران پارسی‌گوی بوده است. به طوری که تا مدت‌ها مهم‌ترین موضوع شعر پارسی و عرصه‌ای مناسب برای رقابت شاعران درباری به شمار می‌آمد.

نگاهی به ادوار شعر مدحی بیانگر عصری روشن در شعر درباری است که همزمان با روی کار آمدن غزنویان در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است. عصر زرّین مدیحه‌سرایی در این ایام با تشویق پادشاهان و تمایل شاعران برای دستیابی به ثروت و موقعیت بهتر شکل می‌گیرد و شاعران یکی پس از دیگری به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. تمایل به برتری و قدرت طلبی پادشاهان غزنوی این امکان را برای شعرا فراهم آورد تا آنها بتوانند با ترسیم چهره‌ای اسطوره‌ای و بی‌بدیل در موضوعات گوناگون مثل سخاوت، حلم، قدرت و غیره رضایت ممدوحان خویش را فراهم آورند. در این میان **فرّخی سیستانی**، **عنصری بلخی** و **منوچهری دامغانی** سرآمد شاعران عصر غزنوی به شمار می‌آیند.

قدرت، از میان موضوعات مطرح شده درباره مدح ممدوحان اصلی‌ترین و پربسامدترین موضوعی است که به صورت‌های گوناگون در دیوان سه شاعر دیده می‌شود. زبانی که غالب شعرای درباری و از جمله سه شاعر مورد نظر برای ستایش ممدوحان خویش برمی‌گزیدند با گرافه‌گویی و مبالغه همراه بود به طوری که شعرا بدون هیچ ابایی و با هدف برکشیدن ممدوح خویش از آن برای رسیدن به مقاصد مالی و جایگاه خویش نزد آنها سود می‌جستند.

در این پژوهش نخست مفهوم قدرت از دیدگاه علوم سیاسی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن گاه با در نظر گرفتن این مفاهیم به تحلیل تاریخی قدرت در عصر

غزنوی پرداخته می‌شود. در مرحله بعد به توضیح زندگی‌نامه شاعران مورد نظر مشغول شده و با ارائه تاریخچه مختصری در مورد مدح در زبان پارسی به سراغ اشعار مدحی این شاعران رفته و در نهایت با تجزیه و تحلیل موضوع قدرت از لحاظ محتوایی و ادبی و نتیجه حاصل از فصل‌های مختلف به این تحقیق پایان می‌دهیم.

### واژه‌های کلیدی:

مدح، قدرت، عصر غزنوی، فرخی سیستانی، عنصری بلخی، منوچهری دامغانی.

پیش گفتار:

از میان هنرهای موجود در جهان شعر از جمله دیرپاترین و زیباترین آنها است. نزد بعضی از ملت‌ها به خصوص ایرانیان شاعری هنری والا و ستوده تلقی می‌شده است. گستره وسیع شعر در ادبیات فارسی مؤید این موضوع است که ادبیات و به خصوص شعر پارسی علاوه بر مضامین عاشقانه و عارفانه دربرگیرنده و بازتاب مفاهیم اجتماعی و تاریخی است که آن را به یکی از جذاب‌ترین موضوعات برای بررسی تحولات تاریخی و اجتماعی تبدیل کرده است. مجموعه این موضوعات باعث شده است تا پژوهندگان با بررسی این مفاهیم و تحولات در آثار شاعران به درک بهتری از تأثیر و اهمیت جامعه‌شناختی و تاریخی این آثار دست یابند.

از میان مفاهیم اجتماعی و سیاسی، مفهوم «قدرت»، ستایش و جایگاه آن بارها از سوی شاعران و حکیمان بسیاری مثل فردوسی، سعدی، عبید زاکانی و غیره به صورت جسته و گریخته مورد توجه قرار گرفته و درباره فواید و مفسد آن فراوان سخن رانده‌اند. در همین رابطه و در بخش وسیع‌تر، موضوع قدرت را می‌توان در ادبیات مدحی و در شعر شعرای درباری جستجو کرد به این معنی که از آنجا که این نوع شعر در خدمت حاکمان و پادشاهان بوده‌است، ستایش قدرت و اقتدار آنان از سوی شاعران موضوع اصلی این نوع شعر را تشکیل می‌دهد.

مجموعه این توجهات و اهمیتی که شاعران و نویسندگان ما در ارائه الگویی مناسب از قدرت و بهترین نوع حکومت داشته‌اند، نگارنده را بر آن داشت تا در پژوهشی مسئله قدرت را از دید مداحان و ستایش‌گران آن مورد بررسی قرار دهد.

بنابراین با کمک استادان محترم جناب آقای دکتر یدالله جلالی و دکتر مجید پویان موضوعی تحت عنوان «بررسی موضوع قدرت در مدایح عصر غزنوی» و به طور مشخص در شعر فرخی سیستانی، عنصری بلخی و منوچهری دامغانی در شورای عالی گروه به تصویب رسید.

از همان ابتدای کار، با معرفی منابع لازم برای شروع تحقیق از سوی استادان بزرگوار به جستجوی آنها در کتابخانه‌های متعددی از جمله کتابخانه مرکزی و علوم انسانی و به خصوص پژوهشکده گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، کتابخانه وزیری و به ویژه کتابخانه دانشگاه اصفهان

پرداختم. سپس با استفاده از سایت‌های اینترنتی مثل: Noormags ، SID ، و Iran doc شروع به جستجو و استخراج مقاله‌ها کردم.

به رغم وجود منابع متعدد در زمینه‌های مختلف سیاسی، تاریخی و به خصوص ادبی در باب این موضوع، تنها در موارد نادری بعضی از کتب مربوط به علوم اجتماعی و سیاسی در دسترس نبودند و یا با وجود دسترسی، به دلیل عدم تأیید برخی از استادان امکان استفاده از آنها وجود نداشت. مشکل دیگر نحوه نوشتن پایان‌نامه و نوع ارجاعاتی بود که با تأیید گروه به شکل پانویس نوشته می‌شد. در حالی که در جدیدترین نوع ارجاع، درون متنی جایگزین پانویس شده است.

در پایان از تمامی استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد به ویژه از استاد راهنما جناب آقای دکتر مجید پویان و مشاور بزرگوار دکتر یدالله جلالی، دکتر مرتضی فلاح و سایر اساتید گران قدر گروه زبان و ادبیات دانشگاه یزد به خاطر راهنمایی‌های بی‌دریغشان و از سرکار خانم مطهری‌نیا کارشناس گروه، که با صبر و حوصله فراوان به مشکلات دانشجویان رسیدگی می‌کردند و نیز سایر کارکنان و خدمه دانشگاه یزد و هم‌چنین کتابداران دانشگاه اصفهان سپاسگزارم.





## فهرست مطالب

۱.....	فصل اول: مبادی تحقیق
۲.....	تعریف موضوع
۲.....	سابقه تحقیق
۴.....	سؤالات پژوهشی
۴.....	روش تحقیق

## فصل دوم: قدرت و کانون‌های آن در عصر غزنویان

۶.....	تعریف قدرت
۶.....	عصر کلاسیک
۹.....	عصر میانه
۱۱.....	عصر مدرن
۱۴.....	مشروعیت
۱۵.....	منابع مشروعیت
۱۷.....	درآمدی بر قدرت در ایران
۲۰.....	منابع وساختارهای قدرت
۲۴.....	تشکیل دولت غزنویان
۳۶.....	جانشینان سلطان مسعود
۳۸.....	ارزیابی تاریخی و جامعه‌شناختی حکومت غزنویان
۴۱.....	کانون‌های قدرت
۴۳.....	شاهان غزنوی و وابستگی به بغداد
۴۶.....	وزیران
۴۹.....	دیوان رسالت
۵۰.....	دیوان عرض
۵۰.....	دیوان اشراف

دیوان وکالت ..... ۵۱

شیوه‌های کسب و حفظ قدرت ..... ۵۱

لشکرکشی‌ها ..... ۵۲

### فصل سوم: شاعران زبان گویای دربارها

پیشینهٔ مدح و شعر مدحی در ادب پارسی ..... ۵۶

شاعران در جایگاه مبلغان سیاسی ..... ۵۸

نیاز شاعران به دربارها ..... ۶۱

ویژگی مداخل و موضوعات آنها ..... ۶۳

مدح از دیدگاه انواع نقد ..... ۶۷

نقد ادبی و هنری ..... ۶۷

نقد اخلاقی ..... ۶۸

نقد اجتماعی ..... ۷۱

تأثیر و اهمیت مدیحه‌سرایی در ادبیات فارسی ..... ۷۲

جابجایی قدرت و موضع شاعران ..... ۷۳

مدیحه و مفاخره قدرت در برابر قدرت ..... ۷۵

تعریف مفاخره ..... ۷۵

مفاخره در مدیحه ..... ۷۷

خودستایی ..... ۷۹

سخنوری ..... ۷۹

مفاخره در عطا و بخشش ممدوحان ..... ۸۵

مفاخره به شهر و ولایت ..... ۸۶

حسب حال ..... ۸۶

مفاخره برای ممدوح ..... ۸۷

نگاهی به متون نظم و نثر عصر غزنوی در باب قدرت ..... ۸۹

## فصل چهارم: زندگی نامه شاعران مدیحه‌سرای غزنوی

- الف: فرخی ..... ۹۲
- ممدوحان فرخی ..... ۹۳
- ویژگی‌های اخلاقی ..... ۹۳
- سبک و ویژگی شعر ..... ۹۴
- ب: زندگی‌نامه عنصری ..... ۹۷
- ممدوحان عنصری ..... ۹۷
- آثار عنصری ..... ۹۸
- ویژگی شعری ..... ۹۹
- ج: زندگی‌نامه منوچهری ..... ۱۰۲
- ممدوحان ..... ۱۰۳
- ویژگی و سبک شعری ..... ۱۰۵

## فصل پنجم: ستایش‌های حاکمان در اشعار شاعران سه گانه

- عوامل ستایش شده در شعر سه شاعر ..... ۱۰۷
- محبوبیت و نیکنامی ..... ۱۰۷
- دلیری ..... ۱۱۱
- قدرت جسمانی ..... ۱۱۴
- جنگاوری و لشکرکشی ..... ۱۱۷
- هیبت و عظمت ..... ۱۲۰
- اسباب و لوازم قدرت ..... ۱۲۳
- کاخ، خدم و حشم، ثروت ..... ۱۲۴
- سپاهان ..... ۱۲۵
- شمشیر و تیر و سنان ..... ۱۲۸
- قدرت اساطیری ..... ۱۳۱

۱۳۵.....	عدالت
۱۳۸.....	سخنوری
۱۴۱.....	اقتدار
۱۴۵.....	فرّه ایزدی
۱۴۹.....	مقام و منزلت

### فصل ششم: سرزنش‌های دشمنان

۱۵۵.....	عوامل نکوهش شده در شعر شاعران سه گانه
۱۵۵.....	مقایسه دشمنان ممدوح با دشمنان اسلام
۱۵۶.....	بدقابالی و سیه روزی دشمنان
۱۵۷.....	کافر خواندن دشمنان
۱۵۸.....	تشبیه دل عدو به سنگ
۱۵۹.....	تشبیه دل دشمنان به مار
۱۵۹.....	تشبیه دشمن به کلنگ
۱۶۰.....	تشبیه دشمن به خوک
۱۶۱.....	نکوهش دشمن از طریق تشبیه او به آتش
۱۶۱.....	نفرت و سرزنش در حق دشمنان
۱۶۲.....	بی ارزش شمردن دشمن
۱۶۳.....	ناسازگاری عوامل طبیعت با دشمن
۱۶۴.....	نکوهش دشمن در سایر موارد
۱۶۵.....	ترسو خواندن دشمن

### فصل هفتم: زبان ادبی در خدمت قدرت

۱۶۹.....	قصیده
۱۷۰.....	انواع قصیده
۱۷۵.....	زبان قصیده

۱۷۵.....	مبالغه
۱۷۹.....	موضوعات مبالغه در شعر شاعران سه گانه
۱۸۱.....	قیاس ارزش مدح ممدوح با خواندن قرآن
۱۸۱.....	در وصف جنگاوری
۱۸۳.....	بزرگی شأن و مقام ممدوح
۱۸۵.....	در وصف آلات جنگی ممدوح
۱۸۷.....	اطاعت و پیروی از ممدوح
۱۸۹.....	توصیف
۱۹۰.....	تشبیه
۱۹۰.....	تشبیه تسویه
۱۹۱.....	تشبیه مفصل
۱۹۳.....	تشبیه جمع
۱۹۵.....	تشبیه مجمل
۱۹۶.....	تشبیه بلیغ
۱۹۶.....	تشبیه مفروق
۱۹۸.....	تشبیه مرکب
۲۰۰.....	تشبیه مشروط
۲۰۱.....	تشبیه تفضیل
۲۰۳.....	تشبیه ملفوف
۲۰۵.....	تشبیه مقید
۲۰۵.....	تشبیهات حسی و عقلی
۲۰۶.....	تشبیه طرد و عکس
۲۰۶.....	تشبیه مضمَر

- ۲۰۷..... تشبیه معکوس
- ۲۰۸..... استعاره
- ۲۱۰..... استعارهٔ مکنیه
- ۲۱۵..... نتیجه‌گیری
- ۲۱۹..... منابع

فصل اول:

مبادی تحقیق

## تعریف موضوع:

در دوران گذشته، مدیحه‌سرایی از انواع رایج هنر شاعری به شمار می‌رفته که با دربارهای پادشاهان و حاکمان ارتباطی دوسویه می‌یافته است؛ بدین معنی که شاعران در تبلیغ قدرت پادشاهان و حاکمان می‌کوشیده‌اند و حاکمان نیز وسایل امرار معاش و هم‌چنین انتشار اشعار شاعران را فراهم می‌ساخته‌اند. مدح در لغت به معنی «ستایش و در اصطلاح ادبی، سخنی است که در آن گوینده به توصیف، تحسین و تمجید کسی بپردازد»<sup>۱</sup>. یکی از زمینه‌های مدح ستایش قدرت حاکمان است که بررسی آن می‌تواند جنبه‌هایی از جامعه‌شناسی ادبیات را به خود اختصاص دهد. در این پایان نامه کوشش می‌شود تا بر اساس مدایح شاعران عصر غزنوی، یعنی: فرّخی سیستانی، عنصری بلخی و منوچهری دامغانی، عنصر «قدرت» در مدایح آنها بررسی شود.

هدف نخست از این پژوهش بررسی رابطه دوسویه شاعران مدیحه‌سرا و قدرتمندان ممدوح آنان است، هم‌چنین بررسی عناصر و مظاهر قدرت مثل کشورگشایی، سخاوت، نابودی دشمنان و امثال آن که در شعر این دسته از شاعران ستایش می‌شود، هدف بعدی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. هدف دیگر این پژوهش بررسی عناصر زبانی و ادبی موجود در مدایح مربوط به ستایش «قدرت» در محدوده نقد ادبی و فنون بلاغی است.

این پژوهش می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران ادبیات فارسی در حوزه شعر دوره غزنوی قرار گیرد. هم‌چنین علاقه‌مندان به جامعه‌شناسی ادبیات خواهند توانست از نتایج این پژوهش استفاده کنند.

## سابقه تحقیق:

قدرت در ادبیات فارسی یکی از بحث برانگیزترین موضوعات بوده است که از ابتدای پیدایش ادب فارسی شاعران و نویسندگان بی‌شماری به ستایش آن در متون نظم و نثر پرداخته‌اند. بیهقی

---

<sup>۱</sup> - حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، چ دوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ۱۲۳۴ص



به عنوان دبیر دیوان رسالت پادشاهان غزنوی و نویسنده «تاریخ بیهقی» (۱۳۸۵) و کسی که از نزدیک شاهد تحولات و کشمکش‌های قدرتمندان بوده است، به موشکافی دقیق مناسبات قدرت این داستان‌ها می‌پردازد. او مخالف هر گونه استبداد و زورگویی پادشاهان است حتی اگر آن پادشاه سلطان محمود یا مسعود غزنوی باشد. بیهقی، پادشاهی که با ریخته شدن خون مردم به دست بیاید را ارزشمند نمی‌داند و از قول استادش بونصر مشکان عاقبت کسی را که به پادشاهان خدمت کند خوب نمی‌داند چرا که آنها رحم و شفقت ندارند. (ص ۹۲۷) در مقاله «تطور مدیحه‌سرایی در ادبیات فارسی تا قرن ششم» (۱۳۵۰) تأکید دارد بر این که عراق و مبالغه‌ای که در مدایح درباری عصر غزنوی دیده می‌شود نتیجه این است که غزنویان مردمی بیابانی بودند و طبعاً تربیت چندانی ندیده بودند، بنابراین تمام معیارهای حاکم بر آداب و رسوم و دیوان‌های حکومتی را زیر پا گذاشتند و این کار سبب شد که شعرا، هر کس را به نوعی که خواستند با گزافه‌گویی‌ها بستایند. (ص ۲۸۶)

مصطفی رحیمی در کتاب «تراژدی قدرت در شاهنامه» (۱۳۶۹) ضمن تحلیل دو داستان «رستم و سهراب» و «رستم و اسفندیار» دیدگاه خود را درباره قدرت در ادبیات چنین بیان می‌کند که قدرت عامل حذف کردنی نیست بلکه باید کنترل شود. قدرت و ثروت دو عامل از خود بیگانگی انسان است که مثلاً در جمشید باعث می‌شود که احساس خدایی کند و اسفندیار نیز آن را وسیله قرار می‌دهد نه هدف. (ص ۵۴)

محمد رضا شفیعی کدکنی در کتاب مفلس کیمیا فروش (۱۳۷۲) ضمن تحلیل شعر مدحی انوری به مقایسه شعر این شاعر با شاعران عصر غزنوی، فرخی سیستانی، عنصری بلخی و منوچهری دامغانی می‌پردازد و شعر مدحی را به عنوان مثال در دیوان عنصری تا حدودی گزارش واقعیت دانسته و در مقابل انوری بیش از حد مدّاح بوده و معتقد است که شعر مدیح به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد تحوّل ارزش‌ها در سیر تاریخ جامعه باید بررسی شود.

در این پژوهش سعی می‌شود تا به بررسی عنصر قدرت در شعر مدحی و به خصوص در شعر فرخی، عنصری و منوچهری پرداخته شود.

## سؤالات پژوهشی:

- ۱- رابطه دوسویه شاعران مدیحه‌سرا و قدرتمندان ممدوح آنان چگونه شکل گرفته است؟
- ۲- چه عناصری از قدرت در شعر شاعران مدیحه‌سرا نمود بیشتری دارد؟
- ۳- شاعران مدیحه‌سرا در توصیف قدرت پادشاهان و حاکمان از چه عناصر زبانی و ادبی استفاده کرده‌اند؟

## روش تحقیق:

این پایان‌نامه از نوع بنیادی و به شیوه توصیفی تحلیلی است که بر اساس روش کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. بر همین اساس، نخست بخش‌هایی از مداخل سه شاعر مورد بحث (فرخی سیستانی، عنصری بلخی و منوچهری دامغانی) از نظر ستایش قدرت بررسی می‌شود و ضمن استخراج شواهد لازم، اطلاعاتی از کتاب‌های مرتبط با زندگی و احوال آنها تهیه و سرانجام با توجه به طرح پژوهش، تجزیه و تحلیل مطالب و نگارش فصل‌ها آغاز خواهد شد.

فصل دوم:

قدرت و کانون‌های آن در عصر غزنویان

## تعریف قدرت

در بررسی مفهوم قدرت به مثابه یکی از بنیادی‌ترین موضوعات علوم انسانی به تعاریف گوناگون از جانب نظریه پردازان و دانشمندان علوم انسانی و به خصوص متخصصان علوم سیاسی و اجتماعی بر می‌خوریم که هر کدام به فراخور زمان و مکان خود سخن رانده‌اند. قرن هاست که دانشمندان برآنند تا تعریفی جامع و درست از قدرت به دست دهند و بر اساس این نظریات جامعه‌ی آرمانی یا مدینه‌ی فاضله خود را بسازند. نگاهی اجمالی به این بحث بیانگر این واقعیت است که در روزگار باستان «قدرت از نظر فیلسوفان یونانی علم واقعی و عالم زمامدار حقیقی است»<sup>۱</sup> به لحاظ لغوی «قدرت» به معنی «توانایی» یا «توانمندی» است که مآلاً مقداری از تأثیر بالقوه یا بالفعل یک فرد یا شیء بر افراد یا اشیا دیگر را نشان می‌دهد. اگر «الف» دارای مقداری از تأثیر بر «ب» باشد در آن صورت می‌گوییم که «الف دارای قدرت نسبت به «ب» است»<sup>۲</sup> در بررسی بیشتر مفهوم قدرت به واژه‌هایی چون «زور و اقتدار» برمی‌خوریم که در برخورد با هر کدام معنایی دیگر می‌یابند. «قدرت توانایی دارنده‌ی آن است برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود، به هر شکلی... وجود اقتدار یعنی این که مشروعیت آن بر اساس سنت یا قانون پذیرفته شده است»<sup>۳</sup> که در بخش دیگر و در ذیل موضوع مشروعیت به آن پرداخته خواهد شد.

به طور کلی دیدگاه‌های ارائه شده پیرامون قدرت و انواع حکومت را به سه دوره تاریخی کلاسیک، میانه، مدرن تقسیم می‌کنند که در این قسمت به تفصیل درباره هر دوره سخن می‌رود.

## عصر کلاسیک:

یونانیان در قرن ششم پیش از میلاد نخستین مردمانی بودند که موضوع قدرت و انواع حکومت را مطرح کردند. از آنجا که آنها مردمانی اهل دانش و متفکر بودند و جامعه‌ای داشتند

<sup>۱</sup> - عباس نبوی، فلسفه‌ی قدرت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹، ص ۱۶

<sup>۲</sup> - همان، ص ۹

<sup>۳</sup> - داریوش آشوری، دانشنامه‌ی سیاسی، چاپ دهم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷